

این کتاب مجموعه چهار سخنرانی و در سال ۱۳۵۰ ایراد شده است.

## فصل اول – جایگاه جهاد:

جهاد یکی از فروع دین ما مسلمانان است. آیا جنگ مطلقا بد است؟ اگر جنگی برای دفع تهاجم باشد و دیگری با ما می جنگد و به سرزمین ما چشم دوخته است باید در مقابل او از خودمان دفاع کنیم و اگر دفاع نکنیم به بهانه صلح! این صلح نیست تسلیم است و این قبول ذلت است. پس جنگ قطعا بد نیست، جنگ به معنی ایستادگی در مقابل تهاجم خوب است و از ضروریات زندگی بشر است.

قرآن می فرماید: اگر خداوند به وسیله بعضی از افراد بشر جلو بعضی دیگر را نگیرد خرابی و فساد همه جا را می گیرد و در آیه دیگر می فرماید: تا آن حدی که می توانید نیرو تهیه کنید، قدرت در مرزهای خودتان متمرکز کنید. اسلام آمده تا حکومت تشکیل بدهد، رسالتش اصلاح جهان است. چنین دینی نمی تواند قانون جهاد نداشته باشد. اسلام می گوید: در صورتی که طرف آماده و موافق صلح باشد، صلح؛ اما در صورتی که می خواهد بجنگد جنگ. آیات جهاد در سال دوم هجرت نازل شدند. زیرا کافران به جنگ مسلمانان آمده بودند. در این آیات آمده است که خداوند مردمی را یاری می کند که از خودشان دفاع کنند. جهاد قرآن مبارزه با تهاجم است. باید مردم را از قید اسارت‌های فکری و غیر فکری آزاد کرد.

## فصل دوم – دفاع یا تجاوز:

هر جنگی تجاوز نیست. تجاوز بد است نه جنگ، جواب تجاوز را گاهی باید با زور داد یعنی راهی غیر از زور برای دفع تجاوز نیست و تسلیم شدن در مقابل زور و تجاوز اسمش صلح نیست، تحمل ذلت است.

ما در جایی هستیم که کسی به ما تجاوز نکرده ولی یک عده از مردم دیگر که ممکن است مسلمانان هم نباشند تحت تجاوز قرار گرفته باشند واجب است که به کمک این مظلومین بشتاییم.

با رژیم های فاسد که با ایجاد محیط اختناق مانع نشر و دعوت اسلام می شوند باید جنگید. در جنگهایی که در صدر اسلام می شد مسلمانان می گفتند که ما با توده مردم کاری نداریم، با حکومت هایی می جنگیم که توده ها را مورد ظلم و ذلت و بردگی قرار داده اند. این توده های مردم را آزاد کنیم و بنده خدای متعال و باشیم نه بنده بشری مثل

خودمان. یعنی نظام تساوی میان افراد بشر برقرار کنیم.

دین باید با دعوت درست بشود نه با اجبار. در راه دین اجبار وجود ندارد، راه حق از راه باطل آشکار است یعنی شما راه را روشن برای مردم بیان کنید که حقیقت خودش آشکار است. ایمان امری است که مردم خود باید انتخاب کنند.

قرآن می فرماید: ای پیامبر اگر مخالفین تو طرفدار صلح بشوند و بال خودشان را برای صلح پهن کنند تو هم آماده صلح باش، این آیه نشان می دهد که اسلام روحش روح صلح است.

ما در این جا چهار ردیف آیات داریم: ۱ - آیاتی که به طور مطلق می گویند بجنگید. ۲ - آیاتی که دیگران را مقید می کرد به قیدی مانند این که آنها با شما در حال جنگ هستند، یا اگر توده ای از مردم مسلمان یا غیر مسلمان را مورد ظلم قرار داده اند و آزادی آنها را پایمال کرده اند. ۳ - دعوت اسلام اجباری نیست. ۴ - آیاتی که اسلام در آن آیات طرفداری خودش را از صلح صریحا اعلام می دارد.

اهل کتاب یعنی غیر مسلمانانی که به یکی از کتب آسمانی انتساب دارند، مانند یهودیها و مسیحیها. قرآن می فرماید: با آنان که به خدا ایمان ندارند و به آخرت هم ایمان ندارند و به حرام و حلال خدا احترام نمی گذارند بجنگید اگر حاضر شدند جزیه بدهند و در مقابل شما خاضع شدند دیگر بعد از این نجنگید.

فرق اهل کتاب و مشرکین در دادن جزیه است. زیرا قرآن درباره اهل کتاب می گوید اگر حاضر شدند جزیه بدهند دیگر با آنها نجنگید، این جزیه به جای زکات و حتی سربازی بوده است زیرا مسلمانان می گفتند حالا که در پناه دولت ما هستید و به ما سرباز نمی دهید پس جزیه بدهید.

### فصل سوم - ماهیت جهاد دفاع است:

جهاد فقط به عنوان دفاع و در واقع مبارزه با یک نوع تجاوز است و می تواند مشروع باشد.

انواع دفاع: اسلام می گوید: کسی که در مقام دفاع از مالش و از شرفش کشته شود از نظر اسلام شهید است. دفاع از استقلال برای یک ملت قطعا امری مشروع است.

دفاع از حقوق انسانی از دفاع از حقوق فردی و قومی مقدس تر است. انسان باید از حق و حقوق انسانی دفاع کند.

کسانی که به عنوان امر به معروف و نهی از منکر قیام می کنند قیامشان مقدس است.

دفاع از آزادی، امروز هم مقدس است. آزادی یک فرد به این منظور نیست که از طرف دیگری مورد تهدید قرار بگیرد بلکه ممکن است از طرف خودش مورد تهدید قرار گیرد مانند کسی که مشرک است. اگر مردمی برای توحید و مبارزه با شرک بجنگند این جنگ جنبه دفاعی دارد نه جنبه استعماری و تجاوز. توحید جزء حقوق عمومی انسانهاست.

ایمان و تربیت زوربردار نیست. اگر تمام نیروهای عالم را جمع کنند و بخواهند محبتی را به زور به دل کسی قرار بدهند یا محبتی را به زور از دل کسی بیرون بکشند ممکن نیست. ایمان یعنی اعتقاد و گرایش. گرایش به یک فکر دو رکن دارد. ۱- جنبه علمی مطلب است که فکر و عقل انسان گرایش داشته باشد. ۲- جنبه احساساتی آن در دل انسان است. فکر تابع منطق است. آزادی را می شود به زور داد ولی ایمان و آزادگی و آزادی خواهی را نه.

اسلام در اصول دین تقلید را جایز نمی داند و ضرورتاً تحقیق را لازم می شمارد. فرنگیها که می گویند از نظر توحید و ایمان نباید مزاحم کسی شد، از این جهت است که فکر می کنند اینها جزء امور خصوصی و سلیقه ای و فردی و شخصی است و این اشتباه است توحید و ایمان و آزادی از حقوق عمومی همه انسانهاست. ولی از نظر ما بی تفاوت در مسئله دین بودن، یعنی در راه راست بشریت بی تفاوت بودن. توحید با سعادت بشری بستگی دارد، مربوط به سلیقه شخصی و این قوم و آن قوم نیست.

کسانی که آزادی تقلید و آزادی زنجیرهای روحی را به عنوان آزادی عقیده تجویز می کنند اشتباه می کنند، آنچه ما به حکم آیه « لا اکراه فی الدین » طرفدار آنیم آزادی فکر است نه آزادی عقیده های بی حساب.

### **فصل چهارم - نتیجه:**

جهاد را اسلام برای تحمیل عقیده نمی خواهد. برای مانع از میان برداشتن می خواهد. اگر مانعی برای تبلیغ عقیده ایجاد نکردند و در مقابل شما خصوع کردند و آماده همزیستی مسالمت آمیز بودند و می خواهند با شما در پناه شما زندگی کنند شما پذیرید.